

به نام خدا

خطبه های نماز جمعه: ۱۳۹۸/۰۷/۱۲

خطیب نماز جمعه : آیت الله امامی کاشانی

خطبه اول:

السلامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ نَحْمَدُهُ وَ نَسْتَعِينُهُ وَ نَشْكُرُهُ وَ نَعُوذُ بِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا وَ نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ وَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)

قالَ اللهُ العَظِيمُ فِي كِتَابِهِ الكَرِيمِ: "وَ إِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنْ نِيَّ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ"

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فى كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ ناصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسَكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

آیهی مبارکه‌ای که تلاوت شد سوره‌ی مبارکه بقره/ آیه‌ی کریمه‌ی ۱۲۴. ابراهیم خلیل که مقام نبوت داشت بعد از سیر منازل و سلوک راه، امتحان و آزمایش سخت به مقام ولایت و امامت رسید. آن ولایتی که در درون نبوت است و امامتی که در درون نبوت است، نه امامت به معنای وصایت که بعد از پیامبر امام است و وصی بلکه نبوتی که علاوه بر این که خبر از نزد خدای متعال برای بشر می‌آورد؛ مقام ولایت دارد و مقام امامت. ولایت یعنی قرب کامل به خدا، نزدیک شدن در مرحله‌ی بالا به خدا، در حد "دَنَا فَتَدَلَّى" آنقدر انسان بالا برود که "وَ هُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَى" این مقام ولایت است.

امامت با داشتن چنین مقامی از ولایت، امامت رهبری است برای امت و برای انسان‌ها بنابراین در درون نبوت و پیامبری ولایت و امامت هست ولی وصایت که بعد از پیغمبر است، او همان رهبری و ولایت را دارد. گیرم صیانت می‌کند نبوت را، حفاظت می‌کند نبوت را یعنی حفظ می‌کند وحی را، از چی حفظ می‌کند؟ از این که وحی تفسیر غلط نشود. از این که الفاظ وحی دگرگون نگردد. معنای وحی را آنان که دنیا طلب هستند به نفع خودشان نکنند و کلام خدا را در راه آرزوهای خودشان

مصادره نکنند، همانطور که در تاریخ اسلام این مصادره ها خیلی پیداست که خلفای بنی امیه و بنی عباس چگونه قرآن کریم و آیات را به نفع خود بیان کردند پس معنای امامت و وصایت در حقیقت حفظ وحی است هم از نظر علمی و هم از نظر عملی.

خُب حالا نکته اینجاست که ابراهیم خلیل وقتی به مقام نبوت رسیده خدا او را آزمایش می‌کند به مشکلات و ابتلائات نظیر ذبح اسماعیل بعد مقام امامت می‌دهد، ابراهیم می‌بیند عجب مقام بلندی است. امامت و ولایت چقدر رفیع است. قرب به خدا چقدر با ارزش است، آرزو می‌کند که این ارزش ها در نسل او باقی بماند. به خدا عرض می‌کند "وَمِنْ ذُرِّيَّتِي" ذریه من هم این امامت را دارند؟ خطاب می‌شود "وَلَا يَنْالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ" این عهد من ظالمین را نخواهد گرفت، ظالمان نخواهند گرفت یعنی چی؟ ظالمین یعنی آنان که در ظلم و گناه هستند و مقام عصمت ندارند. در اینجا مقصود مقام عصمت است گرچه هم یک نفر گناه کند و بعداً توبه کند باز مشمول همین ظالمین است چون این آیه ی مبارکه درست مقام عصمت را بیان می‌کند و عصمت این است که معصوم در گناه وارد نشود حالا خود عصمت چه بیانی دارد؟ آن مطلب دیگری است. بنده منظورم در خطبه‌ی اول این است که وصایت و امامت پس از پیغمبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) طبق احادیث فراوان در جهت صیانت نبوت است و طبق عهدی است که پیامبر با امام در نزد خدا دارد.

روایات فراوان است با اسناد معتبر و محکم. نظیر این روایت که می‌فرماید در کافی است، با سندی صحیح از حضرت ابی جعفر امام باقر (علیه السلام) به حُمران می‌گوید او عرض می‌کند؛ سرنوشت علی و حسن و حسین چه بود؟ سرنوشت امیرالمؤمنین بعد از حضرت مجتبی و صلح با معاویه بعد قیام امام حسین (علیه السلام) این چیست؟ این سرنوشت خُب امام مجتبی (علیه السلام) طبق بعضی از روایات و تاریخ همین یکشنبه‌ی آینده، ۷ صفر روز شهادت را بعضی نوشته‌اند و معاویه بن ابی سفیان هم وضعش در تاریخ معلوم است. حضرت مجتبی با او صلح کرد، ولی نه صلح به معنای آشتی بلکه فرمود: این افسرانی که امام مجتبی دارد و با معاویه پس پرده با هم ساخت و ساز می‌کنند و مردم را از دور حضرت مجتبی (علیه السلام) پراکنده می‌کنند که خود تاریخ مفصلی دارد، حضرت مجتبی (علیه السلام) دید با این وضع جز از بین رفتن او و ریختن خون او و یاران خوب و پاکیزه اش چیز دیگر نیست و اثر دیگر نخواهد داشت ولذا با معاویه به اصطلاح صلح کرد یعنی آتش بس را قبول کرد و در کلمات حضرت مجتبی است که من حق بر این دارم ولی به مردم عراق فرمود، فرمود ولی من رفتم کنار چرا؟ "إِنَّمَا سَخِيَ عَلَيْكُمْ" من کنار رفتم "ثَلَاثٌ" بخاطر سه چیز: یک "قَتَلْتُمْ أَبِي" شما

پدرم امیرالمؤمنین را در همین عراق کشتید. دوم "طَعْنُكُمْ إِيَّايَ" به من طعنه زدید، از من پیروی نکردید و سوم "وَ أَنْتَهَابُكُمْ مَتَاعِي" شما اصلاً فرس زیر پای من را برداشتید. این جور به من توهین کردید با این وضع ورود من در جنگ جز شهادت اصحاب خوب چیز دیگر نیست که شما به معاویه نوشته‌اید تو وارد عراق شو، ما حسن بن علی را کت بسته به تو تحویل می‌دهیم. شما چنین قصدی دارید. بنابراین امام مجتبی (علیه السلام) دید با معاویه‌ای که می‌گوید "من خال المومنین" و من از صحابه‌ی پیغمبر اکرم هستم و من مجتهد و فقیه هستم و آن بازاری که درست کرده است که بازار نیرنگ و مکر است. با او نمی‌شود جنگید و خون در اینجا اثر ندارد. دلیلش هم واضح است شهادت حضرت مجتبی سال ۵۰ هجری بود. قیام امام حسین (علیه السلام) سال ۶۱ هجرت بود. ۱۰ سال امام حسین (علیه السلام) زنده بود و امام حسن از دنیا رفته بود و شهید شده بود و امام حسین (علیه السلام) ۱۰ سال بود و ساکت بود اگر بنا بر جنگ بود امام حسین جنگ را شروع می‌کرد ولی نکرد چون دید باید معاویه برود، یزید بیاید که دارای آن نشانه‌ها نیست و آن محبوبیت‌ها نیست تا خون در اینجا نقش خودش را کاملاً ایفا نکند و بتواند به عنوان یک سرمایه در دست اسلام باشد، در دست اوصیاء باشد و این سرمایه‌ی نفیس در شرایط خودش باید محقق بشود، این بود که امام حسن تن داد به آن آتش بس لیکن امام حسین (علیه السلام) وارد شد با آن وضع خاصی که شهادت او بود که "لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ مُصِيبَتِكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ" و ملائکه یعنی تمام، همه مهموم و مغموم شدند، اینجور شهادت در دنیا اثر گذاشت که این بحث مربوط است ان شاء الله به خطبه‌ی دوم.

بنده در خطبه‌ی اول نظرم این است طبق روایات معتبر، ائمه‌ی ما و پیغمبر اکرم یک میثاق و عهدی با هم دارند در پیش خدا که باید امام و حجت خدا آن عهد را عمل کند و لذا درباره‌ی امام حسن (علیه السلام) حضرت باقر فرمود: "عهد خداست". امام حسین فرمود: "عهد خداست" روایات دیگری است درباره امام عصر (أرواحنا له الفداء) که آن روایات هم صحیح و معتبر است پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: "إِلَى عَهْدِ مَعْبُودٍ مَعَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَعَ وَكَلِيِّ الْمَهْدِيِّ" بین من در درگاه خدا عهدی است با فرزندم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و آن عهد این است که او بیاید و این نبوت را و وحی را در سراسر جهان پخش کند و گسترده کند و آن بنا و آن برنامه‌ای که پیغمبر اکرم داشت و قرآن کریم بر آن تصریح دارد، می‌فرماید: "هُوَ الَّذِي

أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ " تا بیاید پیغمبر دینش را بر تمام ادیان حاکم کند و مفسرین شیعه که خیلی گفته‌اند، اهل سنت هم نوشته‌اند که مقصود قیام امام مهدی (علیه السلام) است، مقصود نزول عیسی بن مریم (علیه السلام) است یعنی امام مهدی (سلام الله علیه) آن نبوت را در دنیا ترسیم می‌کند و نبوت را به دنیا اعلام می‌کند و دین اسلام بر ادیان دیگر غالب می‌شود و لذاست که باید این مطلب را گفت؛ گفت نبوت و امامت و وصایت در حقیقت یک چیز است ولی دو شاخه است. یک شجره است ولی دو شاخه است، یک شاخه است که وحی را بیان می‌کند؛ یک شاخه است که آن وحی را نه تنها اعلام می‌کند که پیغمبر ابلاغ می‌کرد بلکه تبیین می‌کند توضیح می‌دهد و اجرا می‌کند این عهدی است که هست و این عهد را در روایات ما خیلی است که از ائمه (علیهم السلام) می‌پرسند: ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) چقدر طولانی می‌شود، این همه تأخیر چرا؟ می‌فرماید: "شما نگوئید چرا؟ این مصلحت خداست" می‌گویند: پس ما چه کنیم؟ ما اگر عمرمان طولانی بود؟ آن راوی می‌گوید: ما اگر عمرمان طولانی بود آن حضرت نیامد چه کنیم؟ می‌فرماید: "كُونُوا عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ" بر دینتان باقی باشید، دنیاتان را باقی بدارید و به دین عمل کنید" این نکته حالا از اینجا یک فراز اخلاقی استفاده کنم و آن این است که آن عهدی است بین امام و پیغمبر خدا در آسمان ها و نزد خدای متعال این با ما چه ارتباط دارد؟ این بحث ارتباطش با بنده و شما چیست؟ با امت اسلام چیست؟ ارتباطش این است که ما باید این عهد را دنبال کنیم، این عهد بر ما تکلیف آورده است، این عهد بر ما وظیفه آورده است، ما در برابر اسلام و پیغمبر و امام

موظف هستیم در برابر امام عصر (علیه السلام) موظف هستیم که اسوه اوست عمل کنیم. حالا یکی از آن عمل ها چون ایام حضرت مجتبی (علیه السلام) است از آن بزرگوار عرض می‌کنم سؤال کردند از امام مجتبی: عَنِ الْمُرُوءَةِ؟ مَرُوتٌ چيست؟ فرمود: سه چیز است "شُحُّ الرَّجُلِ عَلَى دِينِهِ" انسان بر دینش مصمم باشد، در دینداری شل نباشد، در برابر پول سست نباشد، در برابر زن خودش را آنچنان خلع سلاح نکند از ایمان و در برابر شهوات دامن و شهوت مقام و شهوت پول خودش را مهار کند "شُحُّ الرَّجُلِ عَلَى دِينِهِ" بر دینش حریص باشد نه بر پول، بر دینش حریص باشد نه بر چشم چرانی و عیاشی، نه بر این امور، نه بر هواها و هوس ها آنها را باید کنار بگذارد آنچه هست برای ما که در برابر این تکلیف قرار گرفته‌ایم، در برابر عهدی که امام حسین با خدا داشت، امام مجتبی داشت اکنون حضرت ولی عصر (أرواحنا له الفداء) دارد ما وظیفه مان این است که راه آن ها را بفهمیم و راه آن ها را عمل کنیم، دین‌دار باشیم، دین شناس باشیم، دین بشناسیم، خانه‌یمان دین، مغازه و محل کارمان

دین، اداره‌یمان دین، اسلام، قرآن، فاطمه زهراء، علی مرتضی، انسان‌هایی که اسوه هستند شُحُّ بر دین، حرص بر دین داری، یک.

دو "و إصلاحه ماله" مالش را اصلاح کند یعنی مال از مجرای صحیح بدست بیاورد، نه از مکر و از حقه و از گران‌فروشی! در مسائل اقتصادی مراقب مال باشد، ما در کشور و جامعه‌یمان الآن در برابر مشکلات مختلفی هستیم از جمله مشکل اقتصادی، مشکل بیکاری و اشتغال، ما در برابر این مشکلات عهد داریم، همه عهد داریم، دولت عهد دارد، مجلس و قانون‌گذار عهد دارد، دستگاه قضایی عهد دارد، ملت عهد دارد، همه ما یک میثاقی داریم و آن حفظ این دین است، عمل به این دین است. مشکل اینجاست که دشمن برنامه ریزی می‌کند در همه‌ی چیزها از جمله؛ مسائل اقتصادی، در عفت دختران و زنان ما، در معنویت جوانان ما، در مسائل سیاسی، در مسائل نظامی. دشمن برنامه ریزی می‌کند و اتاق فکر دارد ما هم باید اتاق فکر داشته باشیم. عهد ما این است او در اتاق فکرمی‌گوید: چگونه باید دختران کشورهای اسلامی را بی بند و بار کرد؟ چگونه می‌توان بر عفتشان صدمه زد که آن‌ها راه گناه بروند و ولگرد بشوند و بی اعتنا نسبت به سرنوشتشان باشند؟ این کار دشمن است ما توجه کنیم به این که برنامه ریزی دشمن، ما عهد داریم همانطوری که پیغمبر با خدا عهد دارد، امام حسن و امام حسین با خدا عهد دارند، حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) با خدا عهد دارد، بنده و شما هم با امام زمان عهد داریم. بنده و شما هم با قرآن و نهج البلاغه و احادیث و افکار ائمه پیمان داریم، به این پیمان عمل کنیم "إصلاحه ماله" مالمان درست باشد، مال را در کشور صرف تولید کنیم، به تولید اهمیت بدهیم، به اشتغال اهمیت بدهیم، از اینکه چند جوان مشغول کار بشوند لذت ببریم، نه از پول لذت ببریم بگوییم کجا پولش بیشتر است؟ نه! از این که کالای ایرانی مصرف می‌شود لذت ببریم البته خودمان هم سعی کنیم که این کالا را درست تولید کنیم؛ از منسوجات و غیرمنسوجات خودمان در کشور تولید کنیم، با امانت، با تعهد، با درایت، ما تمام آن چیزی که نیاز کشور است برویم سراغش در تولید، مخصوصاً دولت در این جهت که قدرت اجرا دارد توجه کامل بکند البته این توجه همه ماست، سرمایه داران ماست، راه را برای سرمایه گذاری باز کنند و موانع تولید، سرمایه گذاری را بردارند "إصلاحه ماله" یعنی یک مسئله اقتصادی است که حضرت مجتبی (علیه السلام) به آن اشاره می‌کنند و بعد فرمود: "و قیامه بالحقوق"

سوم به حقوق اهمیت بدهد، قیام کند. قیام به حقوق یعنی برخیزد، یعنی حمایت کند از حق اجتماع، حمایت کند از حقوقی که برای جامعه است. چه حق‌هایی است؟ چه کارهایی

باید کرد؟ چه وظائفی جوان و پیر و خانه و بازار و مغازه و اداره دارد؟ "قیامه بالحقوق" در تمام جاها حق، میز اداره حق، کرسی دانشگاه حق، تدریس استاد حق، استادان دانشگاه حقوق جامعه را بیان کنند در ضمن اداره‌ی آن کلاس و آن خطی که در آن رشته‌ی علمی دارند حقوقی که هست، تربیت جوانان این همه وظائف ماست.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و عزیزان را به ورع و تقوا توصیه می‌کنم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرُ (۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ

خطبه دوم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى إِمَامِ الْخَلَائِقِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ عَلَى كَوْنِ الرَّسُولِ، الزَّهْرَاءِ الْبَتُولِ وَ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةِ قَائِمِ الْعَسْكَرِيِّ، حُجَّجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَمَنَاتِكَ فِي بِلَادِكَ.

باز خودم و عزیزان را به ورع و تقوا توصیه می‌کنم. بحثم در خطبه‌ی دوم به حول و قوه‌ی خدای متعال پیرامون مسئله‌ی شهادت است به مناسبت اربعین سیدالشهداء (علیه السلام).

این نکته ای که رهبر معظم انقلاب (مُدَّ ظَلَّهُ الْعَالِي) داشتند با آنان که سردمداران، مدیران هستند برای جمعیت های مختلف در رفتن برای زیارت امام حسین (علیه السلام) که این شهدا آثارشان و انگیزه هایشان گفته بشود، این یک حقیقتی است مهم که اگر آثاری که، افکاری که شهدای ما داشته‌اند و پدرمان و مادران و فرزندان‌شان داشته‌اند، با چه فکری بودند؟ با چه انگیزه ای بودند؟ چه علاقه به شهادت داشتند؟ چه آنان به ایثار و فداکاری، این اگر در تاریخ ثبت بشود و به صورت تاریخ

باشد سرگذشت آن‌ها و بعد از آن‌ها حتی خواب‌هایی که برایشان بعد از شهادت می‌بینند، این نوشته بشود و ثبت بشود این بسیار برای آینده‌ها درس است، درس اخلاق است و درس ایثار.

یک جمله‌ای است در قرآن کریم با اشاره عرض کنم بگذرم می‌فرماید: شهید زنده است پیش خدا "وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ" بلکه زنده اند سؤال این است که همه زنده‌اند؟ منحصر به شهید نیست هر کس که بمیرد چه شهید و چه غیر شهید؛ چه مسلمان و چه کافر؛ چون مرگ به معنای نبودن روح نیست؛ به معنای نبودن بدن است ولی روح باقی است بنابراین همانطوری که پیکر شهید در قبر است و روحش آزاد است، دیگران هم همین‌طور هستند پس این کلمه قرآن کریم یعنی چه؟ "وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا" اموات نیستند بلکه احیاء هستند و زنده هستند.

مفسرین در اینجا از شیعه و سنی حرف‌ها زیاد دارند، اینجا هم جای آن سخنان نیست ولی چکیده‌ی مطلب، آن مطلبی که از همه بلندتر است و عالی‌تر است که بسیاری از مفسرین قوی‌ما از جمله صاحب‌المیزان (رضوان الله علیهم) دارد این است که معنای احیاء یعنی حیات واقعی، حیات واقعی از شهادت است. حیات واقع با غیر واقعی فرقی در چیست؟ حیات واقعی واقعاً "عِنْدَ رَبِّهِمْ" است لذت می‌برند، آخرت برایش لذت است، واقعاً زندگی است آنچه محشور می‌شود با انبیاء، با اولیاء، توجه به عالم همه‌ی هستی، درها به روی انسان باز بشود، واقعیات عالم را بفهمد و درک کند از نظر فکر و از نظر دانش اوج بگیرد و از نظر ظاهر هم لذت‌های خاص داشته باشد، این به معنای حیات واقعی است ولی حیاتی که زنده هست بله می‌میرد، گناهکار بدنش متلاشی می‌شود بله مثل شهید ولی نکته اینجاست روحی که او دارد کجاست؟ در کجا به سر می‌برد و چه می‌کند؟ یکی بیانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) دارد و آن این است در نهج البلاغه می‌فرماید که "أَمَّا وَاللَّهِ تَقْرِيْبًا بِهِ أَيْنَ مضمون "أَلَوْ قَدْ عَايَنْتُمْ مَا قَدْ عَايَنَ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ" اگر شما می‌دیدید آنان که از شما می‌میرند چه می‌بینند اگر شما می‌دیدید صحنه‌هایی که در برزخ باهوش روبرو هستند "لَجَزَعْتُمْ" دادتان در می‌آمد "وَوَهَلْتُمْ" می‌دیدید عجب روزگاری گرفتار شدید، چه زندانی، چه روزگاری، چه بدبختی، چه عذابی، این عمل‌ها چقدر کریه است، این عمل‌ها چه چهره‌های زشتی دارد، چه چاه‌هایی دارد، چاه‌های تاریک چه انسانی‌های زشتی که می‌آیند مقابل انسان به آدم نگاه می‌کنند، گناه همین‌طور است "وَلَكِنَّ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ" ولی این صحنه‌های آینده از شما محجوب است یعنی حجاب است نمی‌بینید و "قَرِيبٌ مَّا يُطْرَحُ الْحِجَابُ" وقتی مرید حجاب برداشته می‌شود و تمام اعمالتان را

می‌بینید بله چنین است مال خوردن، مال دروغ و حرام خوردن آن جا نشان می‌دهد، مقام پرستی آنجا نشان می‌دهد، عیاشی آنجا نشان می‌دهد، آبرو بردن آنجا نشان می‌دهد، هر عملی که ما می‌کنیم بعد از مرگ که برزخ است همه اش برای ما پیداست و به ما نشان می‌دهد این است که زندگی واقعی نیست بله شهید زندگیش واقعی است فقط کسی دیگر نیست؟ چرا آن کسانی که راه شهید را بروند، مسیر شهید را طی کنند، فکر شهادت و آن استقامت بایستند در برابر دشمن، در برابر مشکلات ایستادگی کنند و صبر کنند در برابر دشمن نترسند، ببینید دشمن الآن چگونه است؟ دشمن الآن چقدر کمر بسته برای ملت اسلام و امت اسلامی و کشورهای اسلامی؟ چون او دشمن خداست دشمن خداست آمریکا دشمن خداست. صهیونیست دشمن خداست. آل سعود دشمن خداست. این ها دشمنان خدا هستند. این ها نمی‌خواهند حقیقت باز بشود، می‌خواهند همیشه آن چیزی که حق است مخفی باشد و از بین برود این یک واقعیتی است واقعیت است که ما الآن در دنیا مشاهده می‌کنیم ولی اگر راه را طی کردیم، استقامت کردیم، خودمان را نشان می‌دهیم، الآن مردم یمن در برابر حاکمان بدبخت سعودی خودشان را نشان دادند و یعنی خدا کمک می‌کند، خدا حمایت می‌کند، آبروی آل سعود و آنان که ازش حمایت می‌کردند مثل آمریکا و صهیونیست آبرویشان رفت.

اینکه آمریکا گفت: "فشار حداکثری بر ایران" و این شعاری که آمریکا داد بلندگوی این شعار در حرکات و اعمال بسیاریش آل سعود بوده است و هست و هم چنین اقرار دیگر آمریکا و صهیونیست این شعاری که دادند گفتند: فشار حداکثری دیدیم که خدای متعال در برابر فشار حداکثری آن‌ها، ذلت حداکثری به آن‌ها داد و بدبختی حداکثری به آن‌ها داد، آبرویشان را در حداکثر همان که گفتند برد، در دنیا حمد خدا را که این‌ها این چنین آبرو ریز شدند، این خداست و قدرت خداست و این استقامت است. استقامت راه شهادت است و دینی است که انسان به شهدا دارد استقامت هم در برابر دشمن به تهدیدات و هم به وظائفی که انسان در مسائل مختلف در جریانات و کارها و این‌ها دارد، همه‌ی ما هر کدام در وظیفه‌ای که داریم.

حُب یکی از نیروهای ما نیروی محترم انتظامی است که فرماندهی عزیز آن نیرو برای شما صحبت کردند و این برادران ما تلاش می‌کنند و زحمت می‌کشند و امیدوارم خدای متعال هم اجرشان بدهد و هم توانشان را بیشتر کنند و آن‌هایی که اگر حیثاً ناتوانی می‌کنند و در انجام وظیفه سستی می‌کنند خدای متعال آن‌ها را بیدار کند و متوجه کند و آنان که با قدرت کار می‌کنند، فداکاری

می‌کنند چه بسیار هم به شهادت افرادی رسیده‌اند، خداوند به آن‌ها اجر جزیل و فراوان مرحمت فرماید.

ما در یک شرائطی چنین هستیم اربعین سیدالشهدا (علیه السلام) که رئیس شهداست، سید شهداست، این حقیقت را که باید ارزش‌ها همیشه متبلور باشد او نشان داد. او چگونه نشان داد امام حسین (علیه السلام) شهادتش وضعی بود که آن شهادت در بارگاه قدس که جای ملال نیست/ سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است. این چنین شد باز این چه شورش است که در خلق عالم است/ گویا عزای اشرف اولاد آدم است.

این یک حقیقتی است چنان این انعکاس پیدا کرد این اربعین این که شما الآن می‌بینید دشمن متوجه اربعین شده، متوجه به عراق شده، ایجاد مزاحمت می‌کند، این برای این است که برایش سنگین است، سنگین است که میلیون‌ها، ۲۰ میلیون کمتر یا بیشتر بروند کربلا، دشمن نمی‌خواهد، دشمن نمی‌خواهد که پرچم امام حسین بلند باشد چون پرچم امام حسین، شهادت آور است، استقامت ایجاد می‌کند، ملت‌ها را بیدار می‌کند، در برابر ظلم می‌ایستند. این پرچم پرچم "هیهاتَ مِنَّا الذَّلهُ" است نه تنها شعار امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا این بود، اربعین هم الآن "هیهاتَ مِنَّا الذَّلهُ" است. این جمعیتی که می‌روند معنایش همین است و آن‌ها نمی‌خواهند و لذاست که آن همه مسائل و مشکلات می‌بینید که خدای متعال ان شاء الله کمک خواهد کرد و مدد می‌کند و با قدرت و توان و جمعیت هر چه بیشتر به اربعین و قبر مطهر سید الشهداء (علیه الصلاه و السلام) پناه می‌برند. این حادثه‌ای است که دنیا را به خود متوجه کرده و نمی‌خواستند نمی‌خواستند.

یک جمله‌ی عجیبی دارد سید بن طاووس در لهوف و بعد مقتل ابی مخنف و آن این است که وقتی شهدا را آوردند می‌دانیم که این روزها روزهایی است که اسرا آمدند به شام و امروز هم تقریباً روز شهادتی است که مربوط است به دختر عزیز آن حضرت، حضرت رقیه ولی این که آمدند، شهدا آمدند در مجلس مسئله‌ی مهمی رخ داد و آن این که سفیر کشورها بودند، از جمله سفیر روم بود، دید یزید بن معاویه نشسته و سر بریده مقابلش هست بعد اسراء را آوردند این زن‌ها و بچه‌ها هستند، همه غل و زنجیر هستند و این غل‌ها را از بدنشان باز کردند، پرسید که این‌ها چه کسانی هستند؟ یکی از وزرای یزید گفت که این‌ها فرزندان علی بن ابی طالب هستند. یزید گفت: به تو چه مربوط که می‌پرسی چه کسانی هستند؟ گفت: من می‌خواهم بروم در روم بگویم آن چیزی که باعث نشاط و خوشحالی شما شده چیه؟ بگویم آن‌ها هم خوشحال بشوند. گفت: اگر می‌خواهی بدانی این سر فرزند

علی بن ابی طالب است. گفت: مادرش کیست؟ گفت: مادرش فاطمه‌ی زهرا دختر پیغمبر است. گفت: این بچه‌ها چه کسانی هستند؟ گفت: این بچه‌ها هم دختران و فرزندان پیغمبر هستند. این جوانی که غل و زنجیر به گردنش هست اینجور بدنش غرق به خون است این چه کسی است؟ گفت: این همان فرزند حسین است.

گفت: عجب ما در مسیحیت کسانی که یک نشانه‌ی ای از عیسی بن مریم دارند آن قدر احترام می‌کنیم، می‌پرستیم، شما بچه‌های پیغمبر را اسیر کرده‌اید؟ بعد رو کرد به یزید گفت: اگر اسیر می‌خواهی ما چندین برابر از این اسرا در روم داریم به شما می‌دهیم شما با ما این اسرا را مبادله کنید. گفت: چرا مبادله کنم؟ گفت: می‌خواهم بروم این‌ها راحت بشوند این چه وضعی است از غل و زنجیر و این‌ها بعد این که سفیر بود نگاه کرد گفت: حق با شماست أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ جَدَّكَ رَسُولُ اللَّهِ " یزید بن معاویه عصبانی شد، گفت: باید این سفیر را اعدام کرد، باید کشت. وزرای یزید گفتند که صلاح نیست الآن روم هست، روم با دولت روم با ما مخالف می‌شود. گفت: خُب پس تسویه حسابش کنید برود این هم بعد از یک هفته او را گفتند و خارجش کردند از شام ولیکن وقتی می‌خواست از افاق بیاید بیرون دید، می‌گوید در تاریخ دارد که دید علی بن الحسین زین العابدین (علیه السلام) در برابر یزید نشسته و یزید او را در روی یک متکایی نشانده، رو کرد به آن کسی که مراقبش بود داشت می‌رفت، گفت: این اثر صحبت‌های من است، این‌ها حرف‌هایی که من زدم که این حرف‌ها را در روم هم خواهیم گفت. این موجب شد که یزید بن معاویه احترام کند ولی این غل و زنجیری که به گردن این جوان من دیدم که این جور خون بر گردنش جاری است با این چهره‌ی نحیف و قیافه‌ی ضعیف این سالم به مدینه نخواهد رسید، من تمام این‌ها را در روم خواهیم گفت. این داستان سیدالشهدا است.

داستان اباعبدالله داستانی جهانی است، دنیا را به خودش متوجه کرده است، دنیا را متوجه به خودش کرده است. حرم امام حسین (علیه السلام)، راه امام حسین (علیه الصلاه والسلام) این عظمتی است که ما از اربعین و از حادثه‌ی سیدالشهدا (علیه السلام) داریم و این حادثه‌ی بزرگ سرمایه‌ی گران بهایی است برای ائمه هدی (علیهم السلام) که آن را نگه دارند و تبیین کنند اسلام را، تفسیر کنند اسلام را و دنیای اسلام با این سرمایه‌ی نفیس و با ارزش است.

" أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ "

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ "

اللَّهُمَّ يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ يَا عَالِيُ بِحَقِّ عَلِيٍّ وَ يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَ يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ
وَ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ

فرج امام عصر را هر چه زودتر برسان. مشکلات جهان اسلام را رفع بفرما. مسلمانان مظلوم، مسلمانان یمن، مسلمانان افغانستان، فلسطین، عراق، سوریه و نقاط دیگر را خدایا این مظلومان را حمایت بفرما. ظالمان را نابود بفرما. پروردگارا شهدا، شهدای نظام جمهوری اسلامی، شهدای یمن، آنان که در راه خدا در برابر دشمن ایستادگی می کنند، خدایا همه ی این ها را با امام حسین (علیه السلام) ابوالشهدا محشور بفرما. پرچم نظام جمهوری اسلامی و پرچمدار این نظام را در سایه ی امام عصر (أرواحنا له الفداء) با اقتدار و با عزت و شوکت بیشتر بدار. توطئه های دشمنان را به خودشان بازگردان. گرفتاری های ما، گرفتاری های اقتصادی ما و اخلاقی ما را مرتفع بفرما. آنان که در گرفتاری ها و حل مشکلات نقش دارند مدد بفرما راه ها را پیدا کنند، بتوانند راه هایی را که با آن راه و با آن مسیر مشکل اقتصادی مردم و کشور رفع می شود ان شاءالله بتوانند با پیدا کردن آن راه ها و رفتن آن راه ها این مشکلات را حل کنند. پروردگارا پسران و دختران ما را، دامنشان را به عفت بدار و از فجور و گناه دور بفرما. بیمارانمان لباس عافیت عنایت بفرما. به ما حُسن عاقبت مرحمت کن. شهدا و امام شهدا را قرین رحمت بفرما وَ السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ.